

بیدل شاعر خط و رنگ

احسان الله شكراللهی طالقانی

پژوهشگر پُردان افغانی ساکن ایران، به عنوان آغازگر این سلسله و شادروان استاد ایرج افشار به عنوان پرکارترین محقق این حوزه نام برد.

از این دو بزرگوار که بگذریم، دامنه‌دارترین پژوهش در بازشناسی اصطلاحات کتاب‌پردازی در متون ادب فارسی را باید از آن آقای دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی بدانیم که رسالهٔ دکتری ایشان بوده با عنوان «مطالعهٔ اصطلاحات نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی در شعر سبک هندی از عرفی شیرازی تا بیدل دهلوی». بخشی از این پژوهش درازآهنگ در قالب کتاب اصطلاحات نسخه‌پردازی در دیوان بیدل دهلوی پیش روی ماست.

وی خود گزارش کارش در این اثر را چنین بیان نموده است: اشعار بیدل به ترتیبِ صفحه از دیوان سه جلدی (چاپ تهران، ۱۳۷۶) نقل شده است. شمارهٔ صفحه و در جلد‌های دوم و سوم، شمارهٔ صفحه و جلد در پایان هر بیت آورده شده و در زیر اصطلاحات، خط کشیده شده است. برخی از کلمه و ترکیب‌ها، معنایی خاص و اصطلاحی ندارد بلکه با دیگر واژگان بیت مراعاتِ نظیر، ایهام تناسب و تضاد و آرایه‌هایی ازین دست برقرار می‌سازد. در پایان نیز فهرستی الفبایی ازین اصطلاحات تهیه شده تا با شماره صفحه‌هایی که در برابر آن است به راحتی بتوان به بیت‌های مورد نظر در این کتاب و هم در دیوان بیدل دست یافت. اهمیت دیگر این فهرست، آگاه‌شدن خواننده از بسامدِ هر اصطلاح و دسترسی به ترکیباتِ گوناگون است. در بخش شرح اصطلاحات، به بررسی گزیده‌هایی از آن واژگان یا ترکیبات پرداخته‌ام تا ازین منظر نیز افقی دیگر از زیبایی اشعار بیدل نمایان شود.

با همین توضیح آغازین به نظر می‌آید این کوشش با همه ارزشمندی، واژگان و اصطلاحاتی را نیز به اثر تحمیل کرده که جای آن‌ها در این پژوهش نبوده است. مثل «خط ساغر»

اصطلاحات نسخه‌پردازی در دیوان بیدل دهلوی، اثر حمیدرضا قلیچ‌خانی، اسفند ۱۳۸۹، دهلوی: مرکز تحقیقات فارسی راینی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

شنیدنی است سرانجام کار دیدن‌ها
نگه به گوش بَدَل کن که عالم آواز است

«بیدل دهلوی»

از اوایل دههٔ هفتاد، که دو اثر مستقل در خصوص کتاب‌آرایی و اصطلاحات مربوطه پدید آمد، تا امروز مقالات پراکنده و گاه منظمی به قلم پژوهشگرانی از جمله شادروان ایرج افشار، نجیب مایل هروی و حمیدرضا قلیچ‌خانی در این زمینه پدید آمده است. دو اثر مزبور که آغازگر این مسیر بودند عبارتند از:

۱. فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته (اثر مؤلف کتاب مورد بررسی دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی که در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید و در سال ۱۳۸۸ انتشارات روزنه چاپ دوم آن را منتشر کرد).

۲. کتاب و کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی اثر استاد نجیب مایل هروی (که انتشارات آستان قدس رضوی آن را در قطع رحلی بزرگ، تنها یک‌بار، منتشر شد).

خوشبختانه پایان دههٔ هفتاد در کشورمان سرآغاز حرکت نوینی بود در عالم نسخه‌شناسی که باید آن را نقطهٔ عطفی در این زمینه دانست: انتشار مجلات تخصصی حوزهٔ کتاب به‌ویژه مجلهٔ بین‌المللی نامه بهارستان به همت کتابخانهٔ مجلس. این مجله طلیعهٔ درخشانی داشت و آیندهٔ پرباری را نوید می‌داد. نامهٔ بهارستان از همان شمارهٔ نخست خود سرفصلی را به اصطلاحات کتاب‌پردازی اختصاص داد و در هر شماره مطلب یا مطالبی در این زمینه منتشر و توجه عموم اهل تحقیق را به این مقوله معطوف کرد. باز باید از استاد نجیب مایل هروی،



(ص ۱۱۳) که هیچ ارتباطی با اصطلاحات کتاب‌پردازی ندارد و مربوط به «هفت خط جام» یا همان «کشتی باده» است و «هفت خط نوشان پای خم می» از آن خبر دارند.

قلیچ‌خانی خود در این گزارش کار می‌نویسد:

برخی واژگان چون خط، چندین معنا دارند؛ یکی در معنای انواع سبک‌های خوشنویسی و دیگری در معنای عام نوشتن. پس هرگاه یک یا چند معنی واژه در حوزه هنر قرار داشته، وارد کتاب شده است.

وی در توضیح روش خویش آورده:

واژه «عارض» از واژگان نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی نیست پس این واژه و ترکیباتش وارد کتاب نشده است؛ اما واژگان مشابه دیگری چون: چهره، ساده، صورت و نقش که میان هنرمندان رایج بوده‌اند تمام ترکیباتشان استخراج و ثبت شده است؛ حتی اگر برخی از این ترکیب‌ها در معنای نسخه‌پردازی به کار نرفته باشد و معنایی همگانی و غیرتخصصی داشته باشند، همچون: چهره ساده، چهره معنی، چهره یقین و یا صورت امروز، صورت ایمان، صورت بیگانه.

قلیچ‌خانی از جمله ویژگی‌های شعر بیدل را این می‌داند که بسیاری از ترکیب‌های او را می‌توان به دو یا چند شکل خواند. وی معتقد است این مشخصه که در شعر برخی دیگر از سخنوران هم، کم‌وبیش، دیده می‌شود در شعر بیدل به ویژگی خاص و سبکی تبدیل شده و اشعارش را خیال‌انگیزتر کرده است، مثلاً در بیت زیر:

الفت‌رقمان سرخط تاریخ بهارش
یک‌رنگی تألیف دو گلزار نوشتند

(۲/۸۹۲)

تألیف را هم به صورت جدا و هم اضافی «تألیف» یا «یک‌رنگی تألیف» می‌توان خواند. در بیت دیگر:

به معنی مانی اقلیم‌فطرت
به نقش رنگ و بو بهزاد قدرت

(۳/۴۲۷)

اقلیم نیز با دو شکل جدا و اضافی دارای معناست. البته گاهی هر دو شکل جدا و اضافی ترکیب، یکسان نیستند و یکی از صورت‌ها از نظر معنا و خیال‌پردازی بر دیگری برتری دارد، نمونه را در این بیت:

قدم اکنون حدوث موج‌زن است
رنگ مطلق مقید چمن است

(۳/۷۷)

ممکن است بسیاری از خوانندگان «رنگ مطلق» را بر «رنگ مطلق» ترجیح دهند و یا در این بیت:

به که با اتفاق عهد کنیم
به همین کسب مشق جهد کنیم

(۳/۲۳۸)

ترکیب: «مشق جهد» را بهتر از «کسب مشق» بدانند، با این خوانش:

به که با اتفاق عهد کنیم
به همین کسب مشق جهد کنیم

(۳/۲۳۸)

قلیچ‌خانی معتقد است این ویژگی، که سبب گیراتر و گاه ژرف‌تر شدن سروده‌های بیدل می‌شود، پژوهش و شرح آثار وی را دشوارتر می‌کند، و می‌نویسد:

در این کتاب، چون می‌بایست اصطلاحات را مشخص و الفبایی کنم، ناچار بوده‌ام تا یکی از خوانش‌ها را برگزینم ولی در بخش شرح اصطلاحات به تحلیل برخی ابیات پرداخته‌ام.

در این نمونه می‌توان در مصراع نخست، نسخه مقید را «نسخه‌ای مقید» خواند چون در رسم الخط دوره بیدل معمولاً هر دو خوانش را به یک شکل کتابت می‌کرده‌اند و این که «انتخاب مطلق» را به شکل اضافی (انتخاب مطلق) بخوانیم، تعبیرات گوناگونی به دست می‌آید:

اوراق اعتبارات چندان که سیر کردیم
در نسخه مقید بود انتخاب مطلق

(ص ۲/۳۸۰)

و نیز در این بیت:

ویرانه خیال خانه‌ای داشت
سرگرمی دل بهانه‌ای داشت

(ص ۲۲۰)

می‌توان ویرانه را مسندالیه دانست و «خیال خانه» یا «خیال خانه» را ترکیبی مستقل به شمار آورد و یا ویرانه خیال را یک ترکیب دانست.

بیدل خود بر این نکته آگاه بوده و بارها اشاره کرده است که:



معنی‌ام بیدل بر طبایع آسان نیست

سر فرو نمی‌آرد فکر من به هر زانو

پژوهشگر از چنین شواهدی نتیجه می‌گیرد که یافتن ترکیبات خاص در آثار بیدل بسیار دشوار است و برتری و ترجیح یکی بر دیگری نیز نسبی و تا اندازه‌ای سلیقه‌ای است، و ازین رو در این کتاب هم بی‌شک سهوهای راه یافته که ویژگی ذاتی پژوهش‌هایی ازین دست است.

بیدل در نسخه رموز اشعار

عیبم نکنی به نکته‌های بیکار

هشدار که در نظم وجود انسان

چون ناخن و پوست عضوبی حس بسیار

قلیچ‌خانی درباره‌ی الفبایی کردن اصطلاحات نیز چند نکته را مدّ نظر داشته است:

نخست واژه یا اصطلاح پایه را آورده و پس از آن ترکیب‌های پسونددار و سپس ترکیب‌های پیشونددار آن را؛ مثلاً شیراز‌بند یا نقشبند، پس از شیرازه یا نقش و ترکیبات گوناگون آن‌ها آمده است.

قلیچ‌خانی در مقایسه آثار صائب و بیدل از نظر شمارگان و بسامد کاربرد اصطلاحات کتاب‌پردازی می‌نویسد:

ایشان «بیش از دیگر سخن‌سرایان سبک هندی و چه بسا زبان فارسی، واژگان و اصطلاحات نسخه‌پردازی را به کار برده‌اند، زیرا که آثار برجای مانده ازین دو بسیار است و منظور این نیست که صائب و بیدل بیش از دیگران به این اصطلاحات توجه کرده‌اند؛ همچنین نباید تصور کرد که بیدل دقیق‌تر از دیگران به این واژگان و معنای اصلی و خاص‌شان پرداخته است، چراکه شاعرانی چون «اشرف مازندرانی» یا «محسن تأثیر» برخی از همان واژگان را دقیق‌تر و یا به تعبیری از نظر نسخه‌شناختی، تخصصی‌تر به کار گرفته‌اند، اما امتیاز بیدل در این است که کوشیده تا از آن‌ها به عنوان دستمایه‌ای برای گسترش خیال و زیباتر شدن لفظ و بیان اندیشه‌های ژرفش بهره ببرد.

قلیچ‌خانی در پژوهش خویش به این نتیجه رسیده است که:

بیدل با بعضی واژگان ترکیباتی گوناگون می‌سازد که گاه تنوعش از تمامی سخنوران سبک هندی بیشتر است، مانند: اجزاء، انتخاب، پرده، جریده، سرخط، سرمشق، روشن

شدن سواد، شق، عرض، و گاه حتی این نکته درباره‌ی نام هنرمندان نیز اتفاق افتاده است همانند: بهزاد (بیش از ۲۵ بار)، نگارگر شهیر سده نهم و دهم هجری. گاهی نیز به واژگانی پرداخته که دیگر سخنوران به ندرت سراغ آن‌ها رفته‌اند، همچون: کارگاه یا صاد.

طبیعی است که برخی واژگان متداول را هم که دیگر شاعران به کار برده‌اند، وی به ندرت استفاده کرده و البته شمار آن‌ها اندک است؛ اما نمونه‌هایی را چون: طغرا، طلا، طلق، عکس، سرلوح و همچنین نام یاقوت، خوشنویس پرآوازه سده هفتم، می‌توان برشمرد.

قلیچ‌خانی می‌نویسد:

در شعر بیدل می‌توان صدها ترکیب یافت که پیش‌تر سابقه نداشته است؛ برای نمونه چند ترکیب را با «خیال» که در شعر سخنوران دیگر به ندرت می‌توان یافت، می‌آورم: خیال‌آباد، خیال‌آبادِ صنع، خیال‌آبادِ یکتایی، خیال‌آواره نیرنگ هوش، خیال‌اندود بودن، خیال‌اندیش تصویر محال، خیال‌انگیختن، خیال‌حلقه زلف، خیال‌خانه آینه، خیال‌خوش‌نگاهان، خیال‌زنده‌بودن، خیال‌سرو تو، خیال‌سواد، خیال‌سوختن، خیال‌عالم بی‌رنگ، خیال‌عبرت خفتگان، خیال‌عشق، خیال‌عقده مشکل، خیال‌گردن آزادگان، خیال‌مبتذل، خیال‌مشت خاک، خیال‌مشق شنا، خیال‌معمایی زبان، خیال‌موی مجنون، خیال‌موی میان تو، خیال‌نگاه، خیال‌نقش‌فرنگ [...]

در پایان گزارش کار، قلیچ‌خانی نتیجه می‌گیرد که:

بیدل بالغ بر چهارهزار ترکیب گوناگون از واژگان و اصطلاحات دبیری، کتابت و نسخه‌پردازی را در دیوانش به کار گرفته است و این کاربرد گسترده را می‌توان از ویژگی‌های سبکی وی به شمار آورد و، از نظر بسامد و تکرار، واژگان زیر و ترکیبات‌شان در خور توجه‌اند:

رنگ (بیش از ۷۰)، خط (بیش از ۶۰)، نقش (حدود ۳۵)، خیال (بیش از ۳۰)، مشق (بیش از ۱۴)، قلم (بیش از ۱۸)، تصویر (بیش از ۱۶)، رقم (بیش از ۱۳)، مشق (بیش از ۱۲۵)، سواد (حدود ۱۲)، کلک (حدود ۱۰۰)، نقاش (حدود ۱۰۰)، خامه (بیش از ۸۵)، ورق (بیش از ۸۵)، غبار (بیش از ۸۰)، کتاب (بیش از ۸۰)، صفحه (بیش از ۷۵)، دفتر (بیش از ۷۰)، لوح (بیش از ۷۰)، مسطر



(بیش از ۷۰)، کاغذ (حدود ۷۰)، نسخه (حدود ۷۰)، نامه (بیش از ۴۵)، انشا (بیش از ۴۵)، داغ (بیش از ۴۰)، بیاض (حدود ۴۰)، مهر (حدود ۴۰).

قلیچ‌خانی در پایان نتیجه می‌گیرد که «افزون بر شاعر آینه‌ها، بیدل را می‌توان شاعر «خط و رنگ» و روایتگر بهزاد» نیز نامید. متن اصلی این اثر شامل این اجزاء است:
- ابیات حاوی اصطلاحات (۱۷۴ صفحه)؛
- نمایه فهرست اصطلاحات (۸۴ صفحه)؛
- شرح گزیده اصطلاحات (۲۴ صفحه)؛

مؤلف، برای تنوع و خوش‌انجامی، «پیوست گزیده ابیات بیدل» را نیز به انتهای اثر خویش افزوده که ۱۳ صفحه تکبیت‌های ناب را شامل می‌شود، و اگرچه این بخش ارتباطی با عنوان اثر ندارد، برای هر خواننده علاقه‌مند به ادبیات فارسی بسیار مغتنم است؛ چرا که جوینده ناب‌سروده‌ها را از جست‌وجوی دیوان بزرگ و پربرگ و بار بیدل فارغ می‌کند و لحظاتهش را با این گزیده‌ها خوش می‌سازد.

اگر از مختصر اشکالات نشانه‌گذاری و سهوهای حروف‌چینی، و غفلت از برخی اصطلاحات معدود، بگذریم این کتاب را اثری ارزنده و کم‌نقص در حوزه پژوهش‌های بینارشته‌ای (ادبیات، خوشنویسی، نگارگری، و کتاب‌پردازی) می‌یابیم که در نوع خود می‌تواند الگوی آثار مشابهی قلمداد شود.

اما برای آن که نگارنده این سطور به تمجید یک‌سویه از این اثر درخشان متهم نشود، برای نمونه، ابیات برگ نخست کتاب، و برگ نخست فهرست اصطلاحات را برمی‌رسد تا از آنچه به نظر او «جای اما و چرا» دارد نیز شمه‌ای بیان کرده باشد:
- در بیت مربوط به ص ۶۳۸ از جلد دوم دیوان بیدل «موی حسرت» در شمار اصطلاحات نسخه‌پردازی ذکر شده که چنین نمی‌نماید، و در مقابل در بیت مربوط به ص ۱۰۷ «هاون کحل»، که نوعی هونگ کوچک مخصوص ساییدن سرمه و همچنین مرکب خشک است، علامت نخورده و نشان ندارد و در فهرست اصطلاحات هم نیامده است.

- در بیت میانی از سه بیت مربوط به ص ۱۱۵ دیوان بیدل که در آن به «خانه نقاشی» اشاره شده، زیر اصطلاح «مو» که مربوط است به قلم‌مو، خط کشیده نشده و از دایره اصطلاحات مزبور بیرون مانده است.

- در بیت مربوط به ص ۱۱۷ دیوان بیدل خط زیر اصطلاح

«خراش کاغذ» از قلم افتاده است.

- کلمه «هنر» مفهومی کلی است که در بیت دوم از ابیات مربوط به ص ۱۱۹ دیوان بیدل زیر آن خط کشیده شده است و هیچ ارتباطی با نسخه‌پردازی در آن دیده نمی‌شود.
- در آخرین بیت از ابیات همان ص ۱۱۹ دیوان بیدل که اصطلاحات «رقعه» و «اجزاء» آن مشخص شده‌اند، اصطلاح «برهم چیدن» که مربوط به همان اجزای رقعه باید باشد از قلم افتاده است.

- در بیت ص ۶۳۶ دیوان بیدل اصطلاح «آفت آثار مرد» که اصطلاح نسخه‌پردازی محسوب گردیده به نظر نمی‌آید که در این دایره بگنجد. همچنین است اصطلاحات «شبهه آثار زندگی» (ص ۲/۶۸۶) و «اثرداشتن» (ص ۳۶۴).

- در بیت ص ۶۹۵ از جلد سوم دیوان بیدل که در این کتاب آمده، هیچ اصطلاح نسخه‌پردازی به چشم نمی‌خورد، اما زیر عبارت مشخص شده خط کشیده شده است:

سراپای او یکدل و یکزبان

که ای کج‌خیالان غفلت‌نشان

- ترکیبات ساخته‌شده با واژه «اجزاء» همه‌جا اصطلاح نسخه‌پردازی قلمداد گردیده است، که درست به نظر نمی‌رسد؛ مثلاً ترکیبات: «اجزای هستی»، «اجزای هوا»، و «اجزای هوس».

از چنین مواردی که البته جای گفت‌وگو دارد، و تا حدودی نیز در گزارش کار پاسخ آن داده شده است، اگر بگذریم، در مجموع این اثر پیشینه کاربرد اصطلاحات خط، خوشنویسی، کتابت، کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی را در متنی مهم از متون ادبیات فارسی به‌خوبی نمایانده، و میزان اثرگذاری این فرهنگ کتاب‌گرایانه را در ادیبان، و نیز میزان تأثیرپذیری یک ادیب از این فرهنگ کتاب‌مدار را به‌وضوح نشان می‌دهد.

در پایان ضمن عرض تبریک و دست‌مریزاد به پدیدآورنده این تألیف کم‌نظیر، و آرزوی انتشار همه آنچه در قالب طرح پژوهشی خویش به سامان رسانده است، بیتی از بیدل را نقطه پایان این نوشتار قرار می‌دهم:

کتاب عافیتی، قیل و قال باب تو نیست

ببند لب که جز این نقطه انتخاب تو نیست.

■



فرهنگ جامع زبان فارسی

احسان شواربی*

فرهنگ جامع زبان فارسی: جلد اول (حرف آ)، زیر نظر
علی اشرف صادقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب
فارسی، ۱۳۹۲، ۱۱۶۰ ص، ۶۰۰۰۰ تومان.

فارسی طرح تدوین چنین فرهنگی را به سرپرستی دکتر
علی اشرف صادقی تصویب و اندکی بعد، «گروه فرهنگ‌نویسی»
کار خود را در فرهنگستان آغاز کرد. در سال ۱۳۷۷، تهیه پیکره
رایانه‌ای متون زبان فارسی در برنامه کاری این گروه قرار
گرفت و طی پنج سال، مدخل‌گزینی از حدود ۱۷۶ متن فارسی
به سرانجام رسید. برگه‌های نوشته‌شده، که شمارشان تا سال
۱۳۸۲ به ۱۴۳،۰۰۰ می‌رسید، در همان سال با استفاده از
برنامه Excel وارد رایانه شد و باقی امور به‌صورت رایانه‌ای پی
گرفته شد (ر.ک: پیشگفتار فرهنگ جامع زبان فارسی، ص ۵). در اردیبهشت
سال ۱۳۹۲، سرانجام نخستین جلد از این فرهنگ، که حرف
«آ» را دربرمی‌گیرد، به طبع رسید و در دسترس فارسی‌زبانان
قرار گرفت. این نوشتار به معرفی و بررسی این جلد از فرهنگ
جامع زبان فارسی اختصاص دارد.

در ابتدای کتاب، پیش از فهرست، اسامی اعضا و همکاران
گروه فرهنگ‌نویسی، شامل اعضای شورای علمی، ویراستار
ارشد، ویراستاران و تعریف‌نگاران بخش عمومی، ویراستاران و
کمک‌ویراستاران بخش‌های تخصصی، همکاران بخش علوم،
پژوهشگران بخش ریشه‌شناسی، تعریف‌نگاران و پژوهشگران
میدانی بخش پیشه و صنعت، نویسندگان مقدمه‌های بخش
عمومی و بخش تخصصی، مسئولین پژوهش‌های لغوی و
تهیه فهرست منابع، بررسی و بازبینی نهایی نمونه چاپی،
بازبینی واژه‌های مصوب فرهنگستان، پیکره رایانه‌ای،
همکاران مقطعی و مسئولین پشتیبانی فنی پیکره، امور فنی
و انتخاب عکس و طراحی، در دو صفحه ذکر شده است.
لازم به ذکر است که دنباله فهرست اسامی کسانی که در
تهیه و نگارش فرهنگ نقش داشته‌اند، شامل مدخل‌گزینان،
برگه‌نویسان (رایانه‌ای و دستی)، بازبینان برگه‌نویسی رایانه‌ای،
بازبینان شواهد و همکاران بخش پیشه و صنعت: صاحبان

پیشینه فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی به نخستین سده‌های
بعد از اسلام می‌رسد. کهن‌ترین فرهنگ فارسی شناخته‌شده
لغت فرس اثر اسدی طوسی، شاعر و ادیب قرن چهارم، است.
لیکن، چنان که مؤلف فرهنگ جهانگیری گزارش کرده،
دست‌کم یک فرهنگ فارسی دیگر پیش از لغت فرس تألیف
شده بوده که اکنون اثری از آن در دست نیست و فقط می‌دانیم
که مؤلفش ابوحفص سغدی بوده است.^۱ بعد از لغت فرس نیز
فرهنگ‌های فارسی متعددی به نگارش درآمدند که از آن
جمله است: صحاح الفرس، فرهنگ قوأس، تحفة الاحیاء،
فرهنگ وفایی، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، مجمع
الفرس (فرهنگ سروری)، مجموعه الفرس، آندراج، برهان
قاطع و غیره. شاید هیچ فرهنگی به اندازه لغت‌نامه دهخدا
برای ایرانیان شناخته‌شده نباشد. لغت‌نامه را می‌توان به مثابه
پلی میان فرهنگ‌نویسی سنتی و نوین برای زبان فارسی
دانست. بعد از لغت‌نامه، فرهنگ‌هایی با شیوه‌های جدیدتر
تدوین و منتشر شد که مهم‌ترین آن‌ها فرهنگ فارسی (۶ جلد)
به همت دکتر محمد معین و فرهنگ بزرگ سخن (۸ جلد)
زیر نظر دکتر حسن انوری است. در دهه‌های اخیر، همچنین
فرهنگ‌های تخصصی و موضوعی متعددی در حوزه‌های
گوناگون انتشار یافته است، ولی نیاز به یک «فرهنگ جامع»،
که محصول گردآوردن همه واژگان و عبارات و اصطلاحات
موجود در زبان فارسی از میان خیل متون قدیم و جدید باشد،
همواره محسوس بوده است.

حدود بیست سال پیش از این، فرهنگستان زبان و ادب

* دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی دانشگاه تهران / ehsanshavarebi@gmail.com

۱. میر جمال‌الدین حسین انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۵.

